درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

نمونه سوالات امتحانی دی ماه

آیا با بسته جهش کانون آشنا هستید؟

یکی از ابتکارات امسال کانون فرهنگی آموزش(قلم چی) بسته جهش می‌باشد که در ۳ حوزه ، فرایند آموزش شما را تکمیل خواهد کرد و باعث پیشرفت نمرات شما در مدرسه میشود.



✓ **آزمون های تشریحی کانون از دوم دبستان تا دوازدهم: با هدف تمرین بیشتر و بهبود نمرات در مدرسه و امتحانات نیمسال اول و دوم**



✓ **فیلم های آموزشی آفلاین پیشرفت: تدریس توسط مجرب ترین دبیران پرمخاطب کشور، منطبق بر برنامه آموزش و پرورش و کتاب درسی با هدف پیشرفت در مدرسه**



✓ **نرم افزار پلکان یادگیری: شامل آزمون‌های تستی و تشریحی در سطوح مقدماتی و پیشرفته، با امکان ساخت آزمون در هر سطح دشواری**



kanoonBook.ir

برای دریافت جایزه ویژه از کانون بوک و یا آشنایی بیشتر با بسته جهش کانون، عدد ۳۳ را به سر شماره ۹۰۰۰۸۴۵۱ ارسال کنید.

www.kanoon.ir

نام و نام خانوادگی:	باسمه تعالی ادارهٔ کل آموزش و پرورش استان لرستان مدیریت آموزش و پرورش شهرستان دورود دبیرستان استعدادهای درخشان شهید بهشتی ۲ امتحانات دی ماه ۱۴۰۴	نام درس: نگارش (۳)
نام پدر:		تاریخ آزمون: ۱۴۰۴/۰۹/ ۳۰
پایه و رشته: دوازدهم		مدت امتحان: ۲۵ دقیقه
نام دبیر: رضا جمشیدی		تعداد سؤال: ۴

پاسخ‌ها در پشت همین برگه درج شود. **الف) بازشناسی (۲ نمره)**

۱- ادبیّت (نکات و دقایق ادبی) این متن را تحلیل و بررسی کنید.

«سه شنبه خیس بود. ملیحه زیر چتر آبی و در چادری که روی سرتاسر لاغریش ریخته شده بود، از کوچه ای می‌گذشت که همان پیچ و خم خواب‌ها و کابوس او را داشت. باران با صدای ناودان و چتر و آسفالت می‌بارید. پشت پنجره‌های دو طرف کوچه، پرده‌ای از گرمای بخاری‌ها آویزان بود. ملیحه سرش را تا چشم‌های آرایش نکرده‌اش در چادر فرو برده بود و کنار نفس‌نفس کشیدن و صدای پاشنه کفش‌هایش تقریباً می‌دوید. پاییز خودش را به چتر می‌زد، چادر را از تن ملیحه دور می کرد و چتر را از دست‌های او می کشید... باد چتر را به طرف دیوار پرت کرد، آن را روی آسفالت انداخت و آنقدر با خودش برد تا به تیر چراغ زد... صدای پاره شدن و شکستن استخوان‌های چتر، پنجره به پنجره دور شد... باران مثل خون از رگ‌های چتر می ریخت. چتر به تنه درخت کوبیده شد و همانجا، زیر دست و پای پاییز، بی رمق و دور از شباهتش به یک پتر باز شده و آبی افتاد.»

(بیژن نجدی، «سه شنبهٔ خیس»، مجموعه داستان ***یوزپلنگانی که با من دویده اند***)

ب) سازه های نوشتار (۴ نمره)

۲- درک و دریافت خود را از بریدهٔ ذیل از نمایش‌نامهٔ «زندگی گالیله» (اثر برتولت برشت) در دو سطر بنویسید.

«- صدای جارچی: من گالیله اوگالی لای، استاد ریاضیات و فیزیک شهر فلورانس، سوگند یاد می کنم، دست از تمامی تعالیم خود درباره مرکزیت و سکون خورشید و عدم مرکزیت و حرکت زمین بردارم. سوگند یاد می‌کنم، با ایمان و صداقتی که از ریا مبرّاست، تمامی این عقاید کفرآمیز و نیز هرگونه خطا و عقیدهٔ دیگری که مخالف آیین کلیسا مقدس باشد، لعنت و نفرین کرده و به دور افکنم.
- آندره آ: {بلند} بدبخت ملتی که قهرمان ندارد.
{گالیله وارد می‌شود. چهره‌اش بر اثر محاکمه مشوش است و به زحمت می‌توان او را باز شناخت. او جملهٔ آندره را شنیده است. مدتی در آستانهٔ در می‌ایستد. کسی چیزی نمی‌گوید. شاگردان او از او روی برمی‌گردانند. آهسته قدم برمی‌دارد. کم‌سویی چشم، گام‌هایش را نااستوار کرده است. یک صندلی پیدا می‌کند و روی آن می نشیند.}
- آندره آ: من دیگر تحمل دیدنش را ندارم. او باید برود.
- آندره آ: {سر گالیله فریاد می کشد} خیک شراب! شکم باره! تن عزیزت را نجات دادی؟ {می نشیند} حالم بد است. اگر اندکی کمک کنید، دیگر می‌توانم بروم. {او را به سمت در هدایت می کنند، در این لحظه گالیله شروع به صحبت می‌کند}
- گالیله : نه! بدبخت ملتی است که نیاز به قهرمان دارد.» (برشت، ۱۳۹۱ک ۲۰۵-۲۰۶)

۳- درک و دریافت خود را از این شعر در چند سطر بنویسید. ۴ نمره

تو آن جُرعه‌ی آبی
که غلامان
به کبوتران می‌نوشانند
از آن پیش‌تر
که خنجر
به گلوگاهِشان نهند. (احمد شاملو، **مرثیه‌های خاک**)

ج) آفرینش (۱۴ نمره)

۴- پیش‌تر تکلیف مربوط به این بخش دریافت شده است.

علم دیگر است و فهم و حفظ دیگر، و علما دیگرند و حفّاظ دیگر.

(عین‌القضات، مکتوبات: ۲۳۸)